

نگاهی به زندگانی و شخصیت محمد بن ابی حذیفه

محمد الله اکبری^۱

سید مرتضی حسینی شاه ترابی^۲

چکیده

بررسی شخصیت و اقدامات افراد با نفوذ و حادثه ساز در هر جامعه‌ای کمک فراوانی به تبیین تاریخ آن دوره می‌کند. در این راستا برای تحلیل حوادث دوره آغازین تاریخ اسلام و حوادث پس از رسول خدا ﷺ، بررسی ابعاد و اقدامات محمد بن ابی حذیفه بسیار ارزشمند و تأثیرگذار خواهد بود.

او در حبشه و هنگام هجرت پدر و مادرش به این سرزمین به دنیا آمد. او گرچه پس از شهادت پدرش در خانه عثمان رشد و پرورش یافت، از مخالفان و معترضان خلیفه سوم بود. وی در "ذات الصواری" شرکت داشت و ضمن جهاد، مردم را بر ضد اقدامات عثمان می‌شوراند. این نوشتار درصدد است تا با رویکرد تحلیلی و با استناد به منابع و گزارش‌های تاریخی اقدامات ابن ابی حذیفه در ماجرای قتل عثمان،

تاریخ دریافت ۱۳۸۹/۷/۱۱ تاریخ تصویب ۱۳۹۰/۴/۱۵

۱. عضو هیئت علمی گروه تاریخ اسلام جامعة المصطفی العالمیة. (Maay134@yahoo.com)

۲. دانش پژوه کارشناسی ارشد تاریخ تمدن اسلامی، جامعة المصطفی العالمیة.

(parsistudent@gmail.ru)

شورش بر ضد کارگزار خلیفه در مصر و تصرف شهر توسط او، برکناری او از حکومت مصر توسط امام علی علیه السلام را بررسی کند. گرچه او پسر دایی معاویه بن ابی سفیان بود، ولی به سبب، گرایش‌های علوی‌اش مورد خشم و غضب معاویه قرار گرفت و سرانجام به دست او کشته شد که این مسأله نیز مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

محمد بن ابی حذیفه، خلیفه سوم، معاویه، شورش، اعتراض، مصر.

مقدمه

در جریان شورش علیه عثمان و قتل خلیفه سوم، اسامی متعددی ذکر شده است که در قیام مردم بر ضد حکومت و تحریک و تحریض آنان علیه خلیفه، نقش داشته و تأثیرگذار بوده‌اند. محمد بن ابی حذیفه یکی از این شخصیت‌هاست که نقش به‌سزایی در شکل‌گیری جنبش معترضانه مردمی در برابر خلافت داشت. این تحقیق بر آن است تا با گردآوری گزاره‌های تاریخی و رجالی درباره شخصیت و زندگانی وی تصویری نسبتاً آشکار از زندگانی و شخصیت او ارائه دهد تا بتوان در خیل بودن یا دخیل نبودن او در قتل عثمان بن عفان به قضاوت نشست و گوشه‌هایی از شخصیت و حیات او را واکاوید. بدین منظور، در ابتدا با بررسی نسب او می‌آغازد و سپس گزاره‌های تاریخی و رجالی مربوط به زندگانی او را ذکر می‌کند.

۱. نسب محمد بن ابی حذیفه

او فرزند ابو حذیفه بن عتبة بن ربیعة بن عبد شمس بن عبد مناف بن قصی است.^۱ ابو حذیفه دایی معاویه بود^۲ و به نام‌های

۱. ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، ص ۸۴، بیروت: دار صادر، ج ۳.

۲. ابی حاتم محمد ابن حبان، *مشاهیر علماء الامصار اعلام فقهاء القطار*، تحقیق: مرزوق علی ابراهیم،

ص ۴۸، دارالوفاء، چاپ اول، ۵۱۴۱۱.ق.

مهمشم،^۱ هشیم،^۲ حسل،^۳ هاشم^۴ و قیس^۵ خوانده شده است. وی پیش از آغاز دعوت پیامبر ﷺ در دارالارقم، مسلمان شد و در هردو هجرت مسلمانان به حبشه حضور داشت. او از نخستین مسلمانانی بود که در سال پنجم بعثت به حبشه هجرت کرد؛ سپس هنگامی که شایعه اسلام آوردن مکیان به حبشه رسید، به مکه بازگشت و وقتی کذب خبر را دریافت بار دیگر به حبشه مهاجرت کرد.^۶

او سالم - معروف به سالم مولای ابی حذیفه - را به فرزندخواندگی پذیرفت و برادرزاده خویش یعنی دختر ولید بن عتبه را به عقدش درآورد. در حالی که سالم، آزاد شده یکی از زنان انصار بود.^۷

ابو حذیفه یکی از هفده تن قریشی باسواد بود که مقارن با بعثت پیامبر ﷺ

۱. ابن اسحاق؛ سیره ابن هشام، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، ج ۲، ص ۵۰۱، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ق، ابن کثیر، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی عبدالواحد، ج ۲ ص ۵۰۷، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۳۹۶ق.
۲. الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۸۴.
۳. ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود، ج ۲، ص ۶۰ رقم ۱۷۲۳، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۴. همان، ج ۷، ص ۷۴.
۵. همان.
۶. الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۸۴، ابن اسحاق، سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۱۳ و ۲۴۵؛ محمد بن یوسف، صالحی شامی، سبل الهدی فی سیره خیر العباد، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود، ج ۲، ص ۳۶۳ و ۳۶۸، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۷. ابی بکر، عبدالرزاق الصنعانی، المصنف، تحقیق: حبیب الرحمن الاعظمی، ج ۷، ص ۴۵۹، المجلس العلمی، احمد بن شعیب، نسائی، سنن النسائی، ج ۶، ص ۶۴، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۳۴۸ق؛ مالک بن انس؛ کتاب الموطاء، تحقیق محمد عبدالقواد عبدالباقی، ج ۲، ص ۶۰۵، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق؛ شافعی، کتاب الام، ج ۵، ص ۲۹، بیروت: دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق؛ سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داوود، ج ۱، ص ۴۵۷، تحقیق سعید محمد اللحام، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

توانایی خواندن و نوشتن داشتند.^۱ او از پیش گامان در اسلام بود؛ دوبار هجرت کرد؛ به دو قبله - بیت المقدس و کعبه - نماز گزارد^۲ و پس از هجرت به مدینه، در خانه عباد بن بشیر بن قیس منزل کرد. پیامبر خدا ﷺ هنگامی که میان مهاجرین و انصار پیوند اخوت می بست، ابوحنیفه را برای عباد بن بشیر برگزیدند.^۳ ابوحنیفه در غزوه بدر در رکاب پیامبر ﷺ بود^۴ و با پدر خویش که در سپاه کفار بود جنگید؛ در غزوات احد و خندق نیز دوشادوش پیامبر ﷺ حضور داشت و سرانجام در نبرد یمامه به سال دوازدهم هجری درحالی که بین ۵۳ تا ۵۶ سال داشت، شهید شد.^۵

ابوحنیفه دو فرزند به نام های محمد و عاصم داشت که مادر محمد، سهله دختر سهیل بن عمرو و مادر عاصم، آمنه دختر عمرو بن حرب بن امیه بود.^۶ نام کامل ام محمد، سهله دختر سهیل بن عمرو بن عبد شمس بن عبدود بن نصر بن مالک بن حسل بن عامر بن لؤی است. او در همان آغازین روزهای ظهور اسلام در مکه ایمان آورد؛ همراه با همسرش - ابوحنیفه - به حبشه هجرت کرد و محمد بن ابی حذیفه را در دوران هجرت حبشه به دنیا آورد.^۷ سهله بعد از شهادت ابوحنیفه، با

۱. احمد بن یحیی، بلاذری، فتوح البلدان، ج ۳، ص ۵۸۰، ش ۱۱۰۴، قاهره: مكتبة النهضة المصرية، ۱۳۷۹.ق.

۲. ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابه، ج ۷، ص ۷۴، رقم ۹۷۶۰.

۳. الطبقات الكبرى؛ ج ۳، ص ۸۵؛ شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ينابيع المودة لذوی القربى، ج ۱، ص ۱۸۱، تحقیق سید علی جمال اشرف حسینی؛ دارالاسوه، چاپ اول، ۱۴۱۶.ق.

۴. ضحاک، ابن ابی عاصم، الاحاد والمثانی، تحقیق باسم فیصل احمد الجوابره؛ دارالدرايه، ج ۱، ۱۴۱۱.ق، ج ۱، ص ۲۶۲ / بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری؛ بیروت: دارالفکر، ج ۵، ص ۲۱.

۵. الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۸۵؛ ابن حجر عسقلانی؛ الاصابة فی تمییز الصحابه، ج ۷، ص ۷۴، رقم ۹۷۶۰.

۶. الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۸۴.

۷. محمد بن محمد حاکم نیشابوری، مستدرک الحاکم، ج ۴، ص ۶۰، تحقیق: یوسف المرعشلی؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶.ق.

عبدالله بن اسود بن عمرو از بنی مالک بن حسل ازدواج کرد و سلیط بن عبدالله را برایش آورد. سپس با شماخ بن سعید بن قانف بن اوقص بن مرة بن هلال بن فالج بن ذکوان بن ثعلبه بن بهته بن سلیم بن منصور ازدواج کرد و برایش عامر بن شماخ را به دنیا آورد. پس از او با عبدالرحمان بن عوف بن حارث بن زهره ازدواج کرد و سالم را برایش آورد.^۱ تاریخ وفات سهله مشخص نیست، اما براساس شواهد، وی تا دوران حکومت عمر بن خطاب زنده بوده است.

۲. زندگانی محمد بن ابی حذیفه

پس از بررسی اجمالی نسب او، این قسمت از نوشتار به بررسی زندگانی وی براساس داده‌های تاریخی و رجالی می‌پردازد.

۱.۲. منابع تاریخی

محمد پس از شهادت پدرش در نبرد یمامه، بنا بر وصیت پدر تحت سرپرستی عثمان بن عفان قرار گرفت. عثمان او را تحت کفالت گرفت، در منزل خود جای داد و تربیت نمود؛^۲ ولی همو بعدها یکی از شورشیان و معترضان علیه عثمان شد. برخی عصیان او را ناشی از قدرت طلبی وی و عدم اعطای قدرت از سوی عثمان می‌دانند. نقل می‌کنند: هنگامی که عثمان به قدرت رسید، محمد از او خواست تا حکمرانی و مسئولیتی حکومتی به وی ببخشد، اما عثمان نپذیرفت و در پاسخ گفت: «هرگاه اهلش شدی به تو می‌بخشم.» وی از عثمان ناخشنود گشت و تقاضا نمود که حداقل وی را برای شرکت در جنگ‌ها اعزام کند. عثمان با این درخواست موافقت کرد.^۳ او پس

۱. پیشین، ج ۸، ص ۲۷۰.

۲. ابن کثیر دمشقی، *البدایة والنهایة*، ج ۷، ص ۲۷۹، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه.ق.

۳. همان؛ طبری، *تاریخ الامم والملوک*، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ج ۳، ص ۴۲۸، عمر بن شبة النمیری، *تاریخ المدینة المنورة*، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، قم: قدس، ج ۳، ص ۱۱۸-۱۱۹.

از این ماجرا، همراه محمد بن ابی بکر در نبرد "ذات الصواری" شرکت کرد و در این سفر، به عیب‌گویی عثمان پرداخت. ابن ابی سرح که شاهد اعتراضات و عیب‌گویی‌های او بود، دیده‌ها و شنیده‌های خود را به عثمان گزارش داد و آن را زیر سر محمد بن ابی بکر دانست. عثمان از رفتار محمد بن ابی حذیفه اظهار شگفتی کرد و گفت: «از او تعجب می‌کنم که کفالتش را برعهده گرفتیم و از کودکی تربیتش کردم، حالا مردم را علیه من فرامی‌خواند!»^۱

حرملة بن عبدالعزیز از پدر خویش نقل می‌کند: محمد بن ابی حذیفه خطبه می‌خواند و سخن رانی می‌کرد و بیش از دیگران قرآن می‌خواند. عتبة بن عامر که در آن جا حاضر بود گفت: «خدا و رسولش راست گفته‌اند؛ شنیدم که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: قرآن را قومی می‌خوانند که از حلق آنان بالاتر نمی‌رود و از دین برمی‌گردند هم چنان که تیر از کمان رها می‌گردد.» ابن ابی حذیفه در پاسخ او را تکذیب کرد.^۲ از این گزارش برداشت می‌شود که ابن ابی حذیفه در سخن رانی و خطابه، توانایی داشته و با قرآن مأنوس بوده است. از سویی، عتبة بن عامر نیز با او خصومت داشته که سخنان وی علیه عثمان را خروج از دین قلمداد کرده و وی را به خروج از دین متهم ساخته است.

محمد بن ابی بکر و محمد بن ابی حذیفه هردو در مصر بودند و مردم را علیه عثمان می‌شوراندند. ابن ابی بکر به مدینه آمد و ابن ابی حذیفه در مصر ماند. هنگامی که مصری‌ها برای شورش علیه عثمان خروج کردند، ابن ابی حذیفه و عبدالرحمان بن عدیس با پانصد نفر در ماه رجب، از مصر خارج شدند. آنها هنگام خروج، چنین وانمود کردند که برای عمره می‌روند.^۳ یاقوت حموی، از مکانی به نام "دُقَاتش" در

۱. طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۳، ص ۳۴۰-۳۴۱، تاریخ المدینة المنورة، ج ۳، ص ۱۱۸-۱۱۹.

۲. تاریخ المدینة المنورة، ج ۳، ص ۱۱۹.

۳. تاریخ الامم والملوک، ج ۳، ص ۳۹۳.

اطراف مصر یاد می‌کند که معاویة بن حذیج - عامل عثمان - با شورشیان مصری همراه محمد بن ابی حذیفه در آن جا درگیر شد.^۱

لیث بن سعد می‌گوید: «سخت‌گیرترین مردم بر عثمان "محمدون" بودند: محمد بن ابی بکر، محمد بن ابی حذیفه و محمد بن عمرو بن حزم.»^۲ عثمان وقتی خبر اقدامات محمد بن ابی حذیفه را شنید گفت: «آیا از کار محمد بن ابی حذیفه شگفت‌زده نمی‌شوید؟! به خاطر پیوند خویشاوندی که داشتیم، پیش خودم بردم و خبر می‌گرفتم از شب و می‌نگریستم که آیا گرسنه است یا سیر و حالا او در خلع من از حکومت و ریختن خونم تلاش می‌کند.»^۳

محمد بن ابی حذیفه از جمله کسانی بود که با محمد بن ابی بکر، کنانه بن بشر تجیبی و عبدالرحمن بن عدیس بلوی، فرمان عثمان به عامل مصر مبنی بر قتل معترضان را در بازجویی از قاصدش پیدا کردند و به مدینه بازگشتند.^۴ در این هنگام، محمد بن ابی حذیفه با چهارصد نفر از اهالی مصر به سوی مدینه روی آورد و به دیگر معترضان که از کوفه آمده بودند، پیوست و به‌طور شبانه‌روزی خانه عثمان را محاصره کردند.^۵ او از جمله کسانی بود که هم‌دوش با محمد بن ابی بکر، ابن حزم، کنانه بن بشر تجیبی، عمرو بن حمق خزاعی، عبدالرحمان بن عدیس بلوی و سودان بن حمران قتل عثمان را خواستار بودند.^۶ حتی نقل می‌کنند که ابن ابی حذیفه، نامه‌هایی از زبان زنان پیامبر ﷺ برای انگیزختن احساسات مردم علیه عثمان

۱. نک: معجم البلدان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۴۵۸.

۲. تاریخ المدینة المنورة، ج ۴، ص ۱۳۰۷.

۳. همان.

۴. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۵، قم: موسسه نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.

۵. ابن قتیبه دینوری، الامامة والسیاسة، ج ۱، ص ۵۷، تحقیق علی شیری، قم: انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۳.ق.

۶. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۶.

می نگاشت و مردی را همراه با آن نامه‌ها می فرستاد. آن مرد پس از مدتی به شکل و ظاهر یک مسافر می آمد. سپس ابن ابی حذیفه نامه او را می گرفت، برای مردم می خواند و بدین طریق مردم را بر عثمان می شوراند.^۱

کارگزار عثمان در مصر، عبدالله بن سعدابی سرح بود.^۲ او هنگامی که برای یاری عثمان به سوی مدینه آمد، سائب بن هشام بن عمرو عامری را جانشین خود ساخت، ولی محمد بن ابی حذیفه بر سائب غلبه کرد و مصر را از آن خود نمود.^۳ ابن ابی حذیفه زمانی که آگاه شد ابن ابی سرح برای یاری عثمان از شهر خارج شده، فرصت را غنیمت شمرد، خود را به مصر رسانید و آنجا را تصرف کرده، مانع از بازگشت ابن ابی سرح شد.^۴

یاقوت حموی می نویسد:

عثمان پس از فتح مصر، ابن ابی سرح را عامل و حاکم آن جا گردانید. پس از قتل عثمان، علی رضی الله عنه ابن ابی سرح را عزل کرد، محمد بن ابی حذیفه را حاکم مصر نمود و او پیوسته حکومت می کرد تا این که معاویه به قدرت رسید و ابن حدیج سکونی را والی مصر نمود.^۵

بلاذری نیز می نویسد:

ابن ابی سرح پیوسته تا پایان قتل عثمان عامل مصر بود، اما پس از قتل عثمان، ابن ابی حذیفه عامل مصر گشت و بر آن جا تسلط داشت تا دوران قدرت گیری معاویه که او معاویه بن حدیج سکونی را به مصر فرستاد.^۶

۱. تاریخ المدینة المنورة، ج ۴، ص ۱۱۵۳.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۶.

۳. تاریخ الامم والملوک، ج ۳، ص ۴۴۵-۴۴۶.

۴. همان، ج ۳، ص ۴۱۰.

۵. معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۲۹.

۶. نک: فتوح البلدان، ج ۱، ص ۲۶۸، قاهره: مکتبه النهضه المصریه، ۱۳۷۹.ق.

او در جای دیگر، از زبان واقدی چنین تکمیل می‌کند:

پیوسته ابن ابی سرح والی مصر بود تا این‌که محمد بن ابی حذیفه بر مصر غلبه یافت و مردم را علیه عثمان شورانید. سپس علی علیه السلام قیس بن سعد بن عباده انصاری را عامل مصر نمود؛ پس از آن او را عزل و محمد بن ابی بکر را والی کرد. سپس محمد را کنار گذاشت و مالک را منصوب نمود؛ بار دیگر مالک را عزل فرمود و محمد بن ابی بکر را نصب نمود. سرانجام معاویه بن حدیج، ابن ابی بکر را از ولایت مصر پایین کشید و کشت و عمرو بن عاص از سوی معاویه والی مصر شد.^۱

بنابر گزارش یعقوبی، از ابتدای خلافت حضرت علی علیه السلام تا آستانه جنگ صفین، عبدالله بن سعد ابی سرح عامل آن حضرت در مصر بود.^۲ گزارش ابوحنیفه دینوری نیز مؤید این مطلب است.^۳

بنابر گزارش طبری، وقتی مصری‌ها همراه با محمد بن ابی بکر بر عثمان خروج کردند، او در مصر باقی ماند و بر عبدالله بن ابی سرح خروج کرد و مصر را تصرف نمود و پیوسته آن جا بود تا عثمان کشته شد. بعد از قتل عثمان، با امام علی علیه السلام بیعت نمود و با معاویه مخالفت ورزید. معاویه مصر را به عمرو واگذار کرد. بدین ترتیب، عمرو و معاویه با هدف تصرف مصر، بدین سوی روی آوردند. ولی نتوانستند مصر را تصرف کنند و به ناچار خدعه کردند تا این‌که ابن ابی حذیفه توسط نیرنگ آنها با هزار نفر به عریش رفت و در آن جا تحصن نمود. عمرو با نصب منجنیق در اطراف عریش و استفاده از آن، توانست او و یارانش را دست‌گیر کند و به قتل برساند. سپس علی علیه السلام ابن ابی سرح را به سوی مصر فرستاد.^۴

۱. همان، ج ۱، ص ۲۶۹.

۲. نک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۶.

۳. ابوحنیفه دینوری، اخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، ص ۱۴۱، دار احیاء الکتب العربیه، چاپ اول، ۱۹۶۰ م.

۴. نک: تاریخ الامم والملوک، ج ۳، ص ۵۴۸.

واقعی می‌گوید:

معاویه و عمرو بن عاص به قصد تصرف مصر حرکت کردند و در "عین شمس" منزل نمودند. آنان هرچه کوشیدند، نتوانستند وارد شهر شوند. لذا خدعه کردند و محمد را با هزار نفر از یارانش به عریش کشاندند و حکم بن صلت جانشین او در شهر شد. هنگامی که محمد و یارانش در عریش سنگر گرفته بودند، عمرو منجیق آورد و با منجیق، ابن ابی حذیفه و یارانش را به تسلیم وادار کرد و آنان را به قتل رساند.^۱

هشام بن محمد کلبی و برخی دیگر می‌گویند: «عمرو بن عاص، محمد بن ابی حذیفه را اسیر کرد و نزد معاویه فرستاد. معاویه مدتی او را زندانی نمود، اما محمد از زندان گریخت. سپس معاویه شخصی را در پی او فرستاد و وی محمد را به قتل رساند.»^۲

ابن کثیر دمشقی به گونه‌ای بهتر روایت می‌کند:

محمد بن ابی حذیفه پس از اخراج عبدالله از مصر، بر آن منطقه تسلط یافت. سپس وقتی علی علیه السلام به خلافت رسید، قیس بن سعد را به مصر فرستاد. عبدالله به معاویه پناهنده شد. معاویه و عمرو بن عاص به بهانه انتقام خون عثمان به مصر حمله کردند و با خدعه او را به عریش کشاندند و با نصب منجیق، او را مغلوب و اسیر کردند. او فقط یک سال حکومت کرد. سپس در سال ۳۶ هجری اسیر و کشته شد.^۳

از مجموع گزاره‌های ذکر شده، درمی‌یابیم که محمد بن ابی حذیفه در خروج شورشیان مصری و حرکت آنان به سوی مدینه نقش داشته و با آنها همراه بوده

۱. همان، ج ۴، ص ۸۰.

۲. همان، ج ۴، ص ۸۰-۸۱، نصر بن مزاحم المنقری، *وَقَعَة صَفَين*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، ص ۳۷، المؤسسة العربیة للطبع و النشر و التوزیع، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ه.ق.

۳. نک: *البدایة و النهایة*، ج ۷، ص ۲۷۹.

است. سپس برای دست یابی به خواسته مردم و عزل کارگزار عثمان از حکومت مصر، اقدام خودسرانه کرده و بر جانشین ابی سرح - والی مصر - در شهر خروج نموده و شهر را از تصرف عاملان خلیفه سوم خارج ساخته و خود ولایت و حکم رانی آنجا را به دست گرفته است، ولی امام علی علیه السلام او را از مسند حکومت عزل نموده و جانشینی برایش گماشته است.

۲.۲. منابع رجالی

این قسمت از نوشتار برای سهولت در فهم و نتیجه گیری به دو بخش منابع رجالی اهل سنت و منابع رجالی شیعه تقسیم می شود.

۱.۲.۲. منابع رجالی اهل سنت

محمد بن ابی حذیفه بن عتبه که کنیه اش ابوالقاسم است، در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله در سرزمین حبشه دیده به جهان گشود.^۱ پدرش از سابقین اولین و نخستین ایمان آورندگان به پیامبر صلی الله علیه و آله و مادرش سهله دختر سهیل بن عمر عامریه بود. او پسر دایی معاویه بن ابی سفیان بود.^۲ او از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می رفت و پدرش در یمامه شهید شد.^۳ پس از شهادت پدرش تحت سرپرستی عثمان قرار گرفت. سپس هنگامی که عثمان به خلافت رسید، از خلیفه اجازه گرفت تا سوی مصر برود. محمد با اجازه عثمان به سوی مصر رفت و در آن جا برخلاف انتظار عثمان، به تحریک مردم علیه خلیفه پرداخت.^۴

۱. ابن عبدالبر القرطبی، الاستیعاب، تحقیق شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، ج ۳، ص ۴۲۵، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۵۱۴۱۵.ق.

۲. ابن حجر عسقلانی، الاصابه، تحقیق شیخ عادل احمد عبدالموجود، ج ۶، ص ۹، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۵۱۴۱۵.ق.

۳. ابن اثیر جزیری، اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۹۳، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۵۱۴۱۹.ق.

۴. نک: الاصابه، ج ۶، ص ۹.

۵. همان: اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۹۳: الاستیعاب، ج ۳، ص ۴۲۵.

ابن حجر عسقلانی نقل می‌کند:

محمد بن ابی حذیفه از زبان نساء النبی سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ در مذمت و طعن عثمان نامه می‌نگاشت. سپس هنگام بازگشت حاملان نامه با هیأت مسافر، مردم را در مسجد گرد می‌آورد و نامه‌های ساختگی را برایشان می‌خواند. او شکایت‌هایی از زبان همسران پیامبر سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ در طعن عثمان قرائت می‌کرد. حاضران در مسجد با شنیدن شکایت‌نامه‌های ازواج النبی سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ صدایشان به گریه و دعا بلند می‌شد و او بدین‌گونه، احساسات را تحریک می‌کرد.^۱

در ادامه جریان، هنگامی که عثمان از کارگزاران و امیران خود استمداد طلبید، عبدالله بن سعد عامل عثمان در مصر برای پاسخ‌گویی به درخواست خلیفه به سوی مدینه شتافت و عقبه بن عامر را جانشین خود در مصر نمود، اما محمد بن ابی حذیفه که مترصد فرصت بود، در غیاب ابن سعد بر عقبه هجوم آورد، او را از مصر بیرون راند و شهر را به تصرف خود درآورد.^۲ مصریان برای حکومت مصر با محمد بن ابی حذیفه بیعت کردند و فقط معاویه بن حدیج و بسربن ارطاة با او بیعت نکردند. عبدالله بن سعد تا پل قلزم پیش آمد و در آن جا با سپاهی از یاران ابن ابی حذیفه روبه‌رو گردید که مانع از ورود او به شهر شدند. بنابراین، او به سوی عسقلان تغییر مسیر داد. پس از آن، ابن حذیفه شورشیان را علیه عثمان تجهیز کرد تا این که خلیفه سوم را به قتل رساندند.^۳

ابن عبدالبر به نقل از خلیفه بن خیاط می‌نویسد:

علی بن ابی طالب سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ پس از نیل به خلافت، محمد بن ابی حذیفه را والی مصر نمود، سپس وی را عزل کرد و قیس بن سعد بن عباده را گماشت. پس از مدتی او را نیز عزل کرد و به جایش مالک بن حارث نخعی را گماشت، اما او قبل از

۱. الاصابه، ج ۶، ص ۱۰.

۲. همان.

۳. همان.

رسیدن به ولایت مصر از دنیا رفت؛ بنابراین، محمد بن ابی بکر را والی مصر گردانید و او نیز کشته شد و عمرو بن عاص بر مصر تسلط یافت.^۱

ابن اثیر نیز گرچه این سخن را نقل می‌کند، نظر درست‌تر و گزیده خویش را چنین بیان می‌کند:

هنگامی که عثمان به قتل رسید، علی علیه السلام قیس بن سعد را به عنوان امیر به سوی مصر فرستاد و محمد را که پیش از این با شورش در مصر به قدرت رسیده بود، عزل نمود. وقتی معاویه بر مصر سلطه یافت، محمد را اسیر کرد و زندانی نمود. ابن ابی حذیفه از زندان گریخت و رشدین - مولای معاویه - او را به چنگ آورد و کشت.^۲

ابن حجر نیز چنین نقل می‌کند:

پس از قتل عثمان و آشکار شدن دخالت مستقیم محمد بن ابی حذیفه در ایام این واقعه، کسانی که با ابن ابی حذیفه بیعت نکرده بودند، گردهم آمدند و به خون‌خواهی خلیفه سوم حرکت کردند. سپاه ابن ابی حذیفه با آنها رویارو گشت و فرمانده سپاه کشته شد. سپس معاویه بن ابی سفیان که می‌خواست به سوی صفین برود، در مسیر خود به سوی ابن ابی حذیفه آمد، با خدعه او را از شهر بیرون کشید، با نیرنگ اسیر نمود و زندانی ساخت تا زمانی که به قتل رساند.^۳

۲.۲.۲. منابع رجالی شیعه

ابن داود، محمد بن ابی حذیفه را از اصحاب امام علی علیه السلام و کارگزار وی در مصر شمرده است که در زندان معاویه جان سپرد و به خواسته معاویه مبنی بر دشنام به آن حضرت و برائت از وی تن نداد.^۴

۱. نک: الاستیعاب، ج ۳، ص ۴۲۶.

۲. نک: اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۹۳.

۳. نک: الاصابه، ج ۶، ص ۱۰.

۴. ابن داود حلی، رجال ابن داود، ص ۱۵۸، نجف: المطبعة الحیدریه، ۱۳۹۲.ق.

برخی دیگر از رجال یون شیعه بیش از این رفته و او را تمجید کرده‌اند و با لفظ "مشکور" مدح نموده‌اند.^۱ علامه مجلسی نیز او را "حسن" و "صحيح" می‌شمارد و امامی به معنای مصطلح می‌داند.^۲

کشی با ذکر سند از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل می‌کند:

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمود: «محامده (محمدها) ابا دارند از این که سرپیچی خداوند کنند.» وقتی از مصادیق محامده پرسیده شد، پاسخ داد: «محمد بن جعفر بن ابی طالب، محمد بن ابی بکر، محمد بن ابی حذیفه و محمد بن امیرالمؤمنین علیه السلام».^۳

می‌گویند: شخصی شامی نقل کرده است که محمد بن ابی حذیفه از یاوران علی بن ابی طالب علیه السلام پسردایی معاویه و یکی از بهترین مردان مسلمان بود. هنگامی که علی علیه السلام از دنیا رفت، معاویه بن ابی حذیفه را اسیر کرد و تصمیم بر قتل وی گرفت. بدین منظور مدتی او را به زندان افکند. سپس روزی به اطرافیان خود گفت: «آیا نگوئیم این سفیه را بیاورند تا او را از گمراهی اش آگاه کنیم و وادار نماییم که علی علیه السلام را دشنام گوید؟» حاضران گفتند: «چنین کن! سپس محمد بن ابی حذیفه را از زندان آوردند و معاویه شماتتش نمود و گفت: «تاکنون با خودت فکر نکرده‌ای که با یاری نمودن علی علیه السلام در راه ضلالت گام برداشته‌ای؟ نمی‌دانی که عثمان مظلوم

۱. علامه حلی، خلاصه الاقوال، ص ۲۵۶، نجف: المطبعة الحیدریه، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ه.ق، شیخ حسن بن زین الدین، التحریر الطاویسی، تحقیق فاضل الجواهری، ص ۵۳، رقم ۳۹۶، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه.ق؛ محمد بن علی اردبیلی الغروی الحائری، جامع الرواة، ج ۲، ص ۴۵، قم کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ ه.ق.

۲. محمد باقر مجلسی، الوجیزه فی علم الرجال، ترتیب عبدالله السبزی الحاج، ص ۲۸۸، رقم ۱۵۳۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه.ق.

۳. شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال (کشی)، ج ۱، ص ۲۸۶، تحقیق میرداماد، محمد باقر الحسینی و سید مهدی رجایی؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۴ ه.ق.

کشته شد، عایشه و طلحه و زبیر به خون خواهی او قیام کردند و علی علیه السلام کسی بود که در این قتل دست داشت و ما امروز خون خواهی عثمان را می طلبیم؟» محمد بن ابی حذیفه پاسخ داد: «بی شک می دانی که من خویشاوند تو و آشناترین مردم به تو هستم.» گفت: «آری.» گفت: «پس قسم به خدایی که غیر از او خدایی نیست! کسی را نمی شناسم که بیش از تو در خون عثمان شریک باشد، در قتل او نقشه داشته و مردم را تحریک کرده باشد. عثمان تو را والی شام کرد؛ مهاجرین و انصار از وی می خواستند که تو را عزل کند و او عزل نکرد و با او آن کردند که خبرش به تو رسید. به خدا طلحه و زبیر و عایشه در آغاز و پایان کار در ریختن خون او شرکت داشتند، مردم را بر کشتن او تحریض می کردند و به خدا گواهی می دهم، تو از زمانی که در جاهلیت و اسلام می شناختمت بر یک خوی واحدی؛ اسلام هیچ چیزی را در تو زیاد یا کم نکرده است. علامتش هم در تو آشکار است. مرا بر محبت علی سرزنش می کنی؟ علی با تمامی روزه داران و نمازگزاران مهاجر و انصار به جنگ تو آمد. تو هم با فرزندان منافقان و طلقا به جنگ او رفتی. تو دین آنها را به بازی گرفتی و آنها دنیای تو را به بازی گرفتند. به خدا ای معاویه! آن چه کردی بر تو پوشیده نیست که با فرمان بری تو سزاوار خشم خدا شدند. به خدا من همیشه علی علیه السلام را به خاطر خداوند و پیغمبرش دوست دارم و تا زنده ام تو را به خاطر خدا و پیغمبرش دشمن می دارم.» پس از این پاسخ، معاویه او را دوباره به زندان افکند و او در زندان جان داد.^۱

از ملاحظه و بررسی داده های کتب رجالی شیعه درباره شخصیت و زندگانی محمد بن ابی حذیفه چنین حاصل می شود که خبر منقول در مورد زمان اسارت او به دست معاویه و واکنش او به درخواست معاویه مبنی بر دشنام امام علی علیه السلام از لحاظ محتوایی بی اعتبار و خدشه پذیر است؛ زیرا بیشتر تاریخ نگاران مسلمان - چه

۱. همان.

شیعه و چه سنی - اتفاق نظر دارند که محمد بن ابی حذیفه در سال ۳۶ هجری و در زمان خلافت امام علی علیه السلام به دست معاویه و یارانش کشته شد. بنابراین، زنده بودن او تا بعد از شهادت امام علی علیه السلام بسیار دور از باور و نادرست است.

نتیجه

در این پژوهش، روشن شد که محمد بن ابی حذیفه، مکنی به ابوالقاسم، فرزند ابی حذیفه بن عتبّه بن ربیعّه بن عبد شمس بن عبد مناف بن قصی و مادرش سهله دختر سهیل بن عمرو بن عبد شمس بن عبد ود بن نصر بن مالک بن حسل بن عامر است. پدر محمد اموی نسب و از پیش تازان در اسلام بود که در سال‌های نخستین ظهور اسلام ایمان آورد؛ در هر دو هجرت به حبشه حضور داشت؛ در غزوات نیز دوشادوش پیامبر صلی الله علیه و آله جنگید و سرانجام در سال دوازدهم هجری در نبرد یمامه به شهادت رسید.

محمد پسردایی معاویه بود و در دوران هجرت والدینش در حبشه به دنیا آمد. پس از شهادت پدرش در نبرد یمامه تحت سرپرستی عثمان قرار گرفت و زیر نظر او رشد و پرورش یافت. با این حال علوی مذهب بود، گرایش‌های شیعی قوی داشت و از سران شورش علیه عثمان شمرده شده است. برخی کوشیده‌اند که علت مخالفت او با عثمان و گرایش‌های علوی وی را در بی توجهی عثمان به او و عدم اعطای فرصت و قدرت حکومتی به وی معرفی کنند. ولی شواهد و دلایل درخور توجهی ذکر نمی‌کنند. شاید بتوان گفت: مهم‌ترین دلایل گرایش‌های ضد عثمانی او، دوستی و همنشینی با محمد بن ابی بکر، دیدن موقعیت ممتاز خود و خانواده خویش در اسلام آوردن و افتخارات خانوادگی نسبی و نیز آشنایی نزدیک و بی‌واسطه‌اش با عثمان بن عفان باشد.

به هر روی، او به اذعان تاریخ‌نگاران و رجال‌نویسان، از سران و رهبران شورش بود که علیه عثمان اقدام نمود و هنگام خروج کارگزار عثمان از مصر، فرصت را

غنیمت شمرده، شهر را تصرف نمود و پس از تسلط بر آن، مانع از ورود و بازگشت عامل خلیفه سوم به مصر شد. او حدود یک سال بر مصر حکومت کرد، اما پس از به خلافت رسیدن امام علی علیه السلام بنا بر دلایلی که بر ما پوشیده است، از ولایت مصر عزل شد و قیس بن سعد بن عباده به جای او والی مصر گشت.

او از دیدگاه رجالیون اهل سنت، در زمره صحابه است و از نگاه رجالیون شیعه، یکی از اصحاب امام علی علیه السلام، شیعه امامی و از مخالفان معاویه به شمار می رود.



منابع

۱. ابن شبه النمیری، عمر، *تاريخ المدینه المنوره*، تحقیق، فهیم محمد شلتوت، قم: قدس.
۲. ابن اثیر جزری، *اسد الغابه*، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۳. ابن اسحاق، *سیره ابن هشام*، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ هـ.ق.
۴. ابن اشعث سجستانی، سلیمان، *سنن ابی داوود*، تحقیق: سعید محمد اللحام، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۵. ابن حبان، ابی حاتم محمد، *مشاهیر علماء الامصار اعلام فقهاء القطار*، تحقیق، مرزوق علی ابراهیم، دارالوفاء، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۶. ابن حجر عسقلانی، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، تحقیق، عادل احمد عبدال موجود، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۷. ابن داوود حلی، تقی الدین، *رجال ابن داوود*؛ نجف: المطبعه الحیدریه، ۱۳۹۲ هـ.ق.
۸. ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، بیروت: دارصادر.
۹. ابن عبدالبر القرطبی، *الاستیعاب*، تحقیق، شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبدال موجود، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۱۰. ابن کثیر، *السیره النبویه*، تحقیق، مصطفی عبدالواحد، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۳۹۶ هـ.ق.
۱۱. ابن کثیر دمشقی؛ *البدایه و النهایه*، تحقیق، علی شیری؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۱۲. اردبیلی الغروی الحائری، محمد بن علی، *جامع الرواة*، قم: کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ هـ.ق.

۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر.
۱۴. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، قاهره: مكتبة النهضة المصرية، ۱۳۷۹ هـ.ق.
۱۵. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد، مستدرک الحاکم، تحقیق، یوسف المرعشلی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ هـ.ق.
۱۶. حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۷. دینوری، ابن قتیبه، الامامة والسياسة، تحقیق، علی شیری، قم، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۱۸. دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، تحقیق، عبدالمنعم عامر، داراحیاء الکتب العربیه، چاپ اول، ۱۹۶۰ م.
۱۹. شافعی، کتاب الام، بیروت: دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۲۰. شیخ حسن بن زین الدین، التحریر الطاووسی، تحقیق، فاضل الجواهری، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۲۱. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال (کشی)، تحقیق: میرداماد، محمد باقر الحسینی و سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۲۲. صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی فی سیرة خیر العباد، تحقیق، عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۲۳. ضحاک، ابن ابی عاصم، الاحاد والمثانی، تحقیق: باسم فیصل احمد الجوابره، دارالدرايه، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۲۴. طبری، تاریخ الامم والملوک، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۲۵. عبدالرزاق الصنعانی، ابی بکر، المصنف، تحقیق، حبیب الرحمان الاعظمی، المجلس العلمی.
۲۶. علامه حلی، خلاصة الاقوال، نجف: المطبعة الحیدریه، چاپ دوم، ۱۳۸۱ هـ.ق.

۲۷. قندوزی حنفی، شیخ سلیمان، *ینابیع المودة لذوی القربی*، تحقیق، سید علی جمال اشرف حسینی، دارالاسوه، چاپ اول، ۱۴۱۶ھ.ق.
۲۸. مالک بن انس، *کتاب الموطاء*، تحقیق، محمد عبدالقواد عبدالباقی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۶ھ.ق.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، *الوجیزه فی علم الرجال*، ترتیب: عبدالله السبزیلی الحاج، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۵ھ.ق.
۳۰. نسائی، احمد بن شعیب، *سنن النسائی*، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۳۴۸ھ.ق.
۳۱. نصر بن مزاحم المنقری، *وقعة صفین*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، المؤسسه العربیہ للطبع والنشر والتوزیع، چاپ دوم، ۱۳۸۲ھ.ق.
۳۲. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، قم: مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت علیہ السلام.

پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی